



جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی

موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی،
اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی



یادداشت هفتگی

سیاست‌گذاری اقتصاد و توسعه کشاورزی و
روستایی

سال ۱۴ / شماره ۱۴۵ / ۱۴۰۲

۱۴۰۲ / ۰۳ / ۰۶

مطالب این شماره

کاهش اشتغال فصلی بخش کشاورزی ایران در سال

۱۴۰۱..... ۲

تهیه و تحلیل: کوهسار خالدي

ویراستار: امید گیلانپور

وضعیت واردات برنج در سال ۱۴۰۱..... ۷

تهیه و تحلیل: علی اکبر باغستانی

ویراستار: امید گیلانپور، کتابیون شمشادی



این موسسه با کمال احترام و سپاس، پذیرای نظرات ارزشمند
خوانندگان این اثر می‌باشد

تلفن: ۴۲۹۱۶۰۰۰ نمابر: ۸۸۹۶۶۶۰ صندوق پستی: ۱۵۱۵-۱۵۸۱۵ کدپستی:
۱۵۹۸۶-۳۷۳۱۳

E-mail: aperi@agri-peri.ac.ir
<https://www.agri-peri.ac.ir>

عنوان خبر: کاهش اشتغال فصلی بخش کشاورزی ایران در سال

۱۴۰۱

تهیه و تحلیل: کوهسار خالدي

ویراستار: امید گیلانپور

کد: PN-4-14020306-(75)

خلاصه متن خبر

جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در فصل زمستان ۱۴۰۱ حدود ۲۳ میلیون و ۴۳۶ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۲۶۳ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش های عمده ای اقتصادی نشان می دهد که در زمستان ۱۴۰۱، بخش خدمات (با ۵۳/۷ درصد)، بیش ترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش صنعت (با ۳۳/۲ درصد) و بخش کشاورزی (با ۱۳ درصد) قرار گرفته اند. از یک سو در فصل زمستان ۱۴۰۱، از سهم شاغلان بخش های کشاورزی و صنعت نسبت به فصل مشابه سال قبل به ترتیب ۱/۵ درصد و ۰/۴ درصد کاسته و از دیگر سو بر سهم شاغلان بخش خدمات، ۱/۸ درصد افزوده شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).

تحلیل موضوع

اشتغال، یکی از شاخص های هدف در برنامه های اقتصادی تمامی کشورهاست. چراکه از یک سو، نیروی کار یکی از عوامل اصلی در فرآیند تولید کالاها و خدمات قلمداد می شود و از دیگر سو، اشتغال، منبع تامین درآمد مورد نیاز خانوارها و پاسخ به هزینه های ثابت و متغیر زندگی آن هاست. لذا اشتغال، شاخص مهمی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به حساب می آید.^۱ به همین خاطر، میزان اشتغال/ بیکاری، یکی از شاخص های توسعه یافتگی/ توسعه نیافتگی در نظر گرفته می شود. اگرچه در فرآیند توسعه، تغییر میزان و سهم اشتغال بخش های اقتصادی، امری پذیرفتنی است، لیکن هم کاهش اشتغال کل و هم انتقال خیل عظیم نیروی کار میان بخش های اقتصادی

نمی تواند در برنامه ریزی بلندمدت برای توسعه ای پایدار، موضع ساده ای تلقی گردد.

اگرچه کاهش «سهم اشتغال کشاورزی در کل اشتغال کشور» به خودی خود نمی تواند نگران کننده باشد، اما در صورتی که با این رویداد، از «مقدار اشتغال کشاورزی» و به تبعیت از آن از مقدار «ارزش افزوده ای کشاورزی ناشی از نیروی کار»^۲ کاسته شود، موضوع برای سیاستگذار و برنامه ریز در سطح کلان اقتصاد و بخش کشاورزی، اهمیت پیدا خواهد کرد.

با این وصف، فرآیند جهانی و زمانی تغییر مقدار و سهم اشتغال در بخش کشاورزی به گونه ای است که معمولاً با توسعه ای اقتصادی کشورها از یک سو از مقدار و سهم «اشتغال کشاورزی» کاسته می شود و از سوی دیگر بر مقدار و سهم «اشتغال کسب و کار کشاورزی» افزوده می شود. در فرآیند توسعه ای اقتصادی، نیز بر اساس نظریه ی چنری، سهم بخش های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی و به پیروی از آن، سهم اشتغال آن ها، دچار تحول می شوند. در همین راستا با گذشت زمان، همراه با افزایش درآمد سرانه در یک جامعه، از یک سو، سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال، کاهش و از دیگر سو، سهم بخش های صنعت و خدمات، افزایش خواهد یافت. شواهد تجربی، تناسب چنین روندی را با سطح توسعه یافتگی کشورها تایید می کنند (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷).

در ایران با وجود تهیة آمار اشتغال به تفکیک بخش های اقتصادی از جمله «اشتغال بخش کشاورزی»، لیکن آمار مرتبط با «اشتغال کسب و کار کشاورزی» توسط دستگاه های رسمی و متولی، تهیة و منتشر نمی گردد. این وضعیت، تحلیل «جایگاه واقعی» بخش کشاورزی ایران در خلق اشتغال کلان اقتصاد را از منظر کارشناسی و برنامه ریزی، مشکل ساخته است.

موضوع دیگری که در کنار کمیّت (مقدار) اشتغال کشاورزی باید مورد توجه قرار بگیرد، کیفیت نیروی کار شاغل و بهره برداران در این بخش از منظرهای سن، سواد، تخصص و ریسک پذیری خواهد بود. بر اساس آخرین

مخارج مصارف واسطه (به استثنای هزینه ی نیروی کار و سرمایه). لذا مقدار ارزش افزوده ی کشاورزی برابر است با سهم نیروی کار و سرمایه ی مورد استفاده در ارزش ستانده و سود اقتصادی. بدیهی است در صورتی که خارج مربوط به سرمایه از ارزش افزوده ی کشاورزی کسر گردد، آنچه باقی خواهد ماند، ارزش افزوده ی کشاورزی ناشی از نیروی کار خواهد بود که در بطن آن، سهم نیروی کار کشاورزی و سود اقتصادی کشاورزی قرار دارد.

^۱ این یادداشت سیاستی، صرفاً با رویکرد نقش نهادهای نیروی کار در بخش کشاورزی به نگارش درآمده است و ارتباط اشتغال و بیکاری نیروی کار روستایی و کشاورزی با درآمد و رفاه خانوارهای روستایی و کشاورزی، مورد توجه قرار نگرفته است.

^۲ با توجه به حسابداری ملی، عبارت «ارزش افزوده» در اصل به صورت «ارزش افزوده ی ناشی از کار و سرمایه» بوده و برابر است با تفاضل ارزش ستانده و

بررسی تحولات اشتغال کشاورزی ایران در فصول سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به تفکیک نقاط شهری و روستایی نیز حاکی از رشد منفی مقدار اشتغال کشاورزی در سال ۱۴۰۱ هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی است (جدول ۲). لذا در فاصله‌ی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، کاهش اشتغال کشاورزی، صرفاً در نقاط روستایی روی نداده است و نقاط شهری نیز، چنین موضوعی (کاهش اشتغال کشاورزی) را تجربه کرده‌اند.

جدول (۲). اشتغال بخش کشاورزی به تفکیک فصل و نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

شرح		نقاط شهری		نقاط روستایی	
		۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۰
بهار	مقدار (نفر)	۱۲۵۳۰۱۴	۱۰۸۱۸۲۵	۲۹۹۶۷۴۰	۲۷۰۰۶۶۵
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۷.۱	۶.۱	۴۹.۴	۴۵.۸
	رشد (درصد)	-	-۱۳.۷	-	-۹.۹
تابستان	مقدار (نفر)	۱۲۴۲۹۲۰	۱۱۵۸۰۰۹	۲۸۲۱۰۴۶	۲۶۰۵۴۴۰
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۷.۱	۶.۴	۴۷.۶	۴۴.۸
	رشد (درصد)	-	-۶.۸	-	-۷.۶
پاییز	مقدار (نفر)	۱۰۶۶۷۷۶	۱۰۷۱۷۴۰	۲۵۶۳۰۳۱	۳۳۷۴۵۰۱
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۶	۵.۹	۴۴.۱	۴۰.۵
	رشد (درصد)	-	۰.۵	-	-۷.۴
زمستان	مقدار (نفر)	۹۲۵۵۷۰	۸۵۵۶۵۱	۲۴۳۹۸۸۲	۲۲۰۲۶۲۴
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۵.۳	۴.۸	۴۳.۶	۳۹.۹
	رشد (درصد)	-	-۷.۶	-	-۹.۷

منابع: (۱) مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲، الف- ۱۴۰۱، ب- ۱۴۰۱، ج- ۱۴۰۱ (۲) محاسبات تحقیق

مطالعات پژوهشی در مورد اشتغال کشاورزی، عمدتاً بر تعیین عوامل موثر بر میزان اشتغال و بیکاری در این بخش متمرکز شده‌اند و در خصوص علل کاهش سهم اشتغال بخش و تغییر شغل کشاورزی، مطالعات زیادی انجام نشده است. به عبارتی دیگر، مطالعات چندانی در مورد دلایل خروج قسمتی از نیروی کار از کشاورزی و ورود آن‌ها به سایر بخش‌های اقتصادی و یا بیکار شدن آنان به نگارش در نیامده است. به عنوان مثال، صادقی و همایونی فر (۱۳۸۰) بر مبنای مدل تقاضای تجربی نیروی کار، تقاضا برای اشتغال کشاورزی ایران را تابع سطح زیرکشت،

آمارهای موجود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴)، در سال ۱۳۹۳ حدود ۳۴ درصد مالکان بهره‌برداری‌های کشاورزی ایران، فاقد سواد بوده‌اند. این در حالی است که ۳۵ درصد از ۶۶ درصد از بهره‌برداران باسواد کشاورزی کشور در سال مزبور، دارای سواد ابتدایی و غیررسمی بوده‌اند. بررسی مشارکت دانش‌آموختگان دانشگاهی در کشاورزی ایران نیز نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۳ فقط ۵ درصد بهره‌برداری‌های کشاورزی متعلق به دارندگان دارای تحصیلات دانشگاهی (کشاورزی و غیر کشاورزی) بوده‌اند. در این میان، نکته‌ی مهم این خواهد بود که در سال مزبور، فقط یک درصد بهره‌برداران کشاورزی از «تحصیلات دانشگاهی کشاورزی» برخوردار بوده‌اند! به عبارتی دیگر، سهم مشارکت دانش‌آموختگان کشاورزی در واحدهای بهره‌برداری کشاورزی صرفاً یک درصد بوده است. تردیدی وجود ندارد که با گذشت حدود یک دهه از زمان آمارهای مزبور، ترکیب کیفی نیروی کار کشاورزی از منظر سطح سواد، باید تغییر کرده باشد. اگرچه به دلیل فقدان آمار به‌هنگام، به صورت مستند نمی‌توان اذعان داشت، لیکن این تغییر نمی‌تواند، به صورت چشمگیری به نفع دارندگان سواد دانشگاهی و تخصصی کشاورزی بوده باشد.

می‌دانیم همانند زیربخش ساختمان، قسمتی از اشتغال در بخش کشاورزی، تابع فعالیت شرایط فصلی می‌باشد و میزان اشتغال در فصول کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی و باغی (بهار و تابستان) با سایر فصول، تفاوت معناداری دارد. بررسی رشد میزان اشتغال بخش کشاورزی در فاصله‌ی سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، موید رشد منفی اشتغال این بخش در تمامی فصول سال ۱۴۰۱ می‌باشد (جدول ۱).

جدول (۱). اشتغال بخش کشاورزی به تفکیک فصول در سال‌های

۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

شرح		۱۴۰۰	۱۴۰۱
		۱۴۰۰	۱۴۰۱
بهار	مقدار (نفر)	۴۲۴۹۷۵۴	۳۷۸۲۵۰۰
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۱۷.۹	۱۶
	رشد (درصد)	-	-۱۱.۰
تابستان	مقدار (نفر)	۴۰۶۳۹۶۶	۳۷۶۳۴۴۹
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۱۷.۴	۱۵.۸
	رشد (درصد)	-	-۷.۴
پاییز	مقدار (نفر)	۳۶۲۹۸۰۷	۳۴۴۶۲۴۰
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۱۵.۴	۱۴.۳
	رشد (درصد)	-	-۵.۱
زمستان	مقدار (نفر)	۳۳۶۵۴۵۲	۳۰۵۸۲۷۵
	سهم در کل اشتغال (درصد)	۱۴.۵	۱۳
	رشد (درصد)	-	-۹.۱

منابع: (۱) مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲، الف- ۱۴۰۱، ب- ۱۴۰۱، ج- ۱۴۰۱ (۲) محاسبات تحقیق

سرمایه‌گذاری و ارزش افزوده در نظر گرفته‌اند و نشان دادند که کشتش اشتغال کشاورزی نسبت به افزایش سطح زیر کشت (۰/۱۹ درصد)، بیشتر از دو متغیر دیگر (به ترتیب ۰/۰۰۱۵- و ۰/۱۰ درصد) بوده است. در گزارش‌های تحلیلی در خصوص کاهش سهم اشتغال بخش کشاورزی در کل اشتغال ایران، دلایل و عوامل گوناگونی ذکر شده‌اند (تاج‌دینی، ۱۴۰۲) که مهمترین آن عبارتند از:

- تحولات صنعتی و تکنولوژیکی در دهه‌های اخیر.
 - افزایش فرصت‌های شغلی در دیگر بخش‌های اقتصادی.
 - کاهش نیاز به نیروی کار در بخش کشاورزی به دلایل متعدد نظیر توسعه‌ی تکنولوژی و مکانیزاسیون کشاورزی، تعطیلی برخی از واحدهای کشاورزی (در اثر عدم سودآوری و تشدید و تعمیق خشکسالی) و سرمایه‌گذاری ناکافی.
 - کاهش تولید در برخی از واحدهای کشاورزی به دلیل افزایش هزینه‌های تولید کشاورزی^۱.
- عوامل متعددی نیز در تغییر شغل کشاورزان روستایی ایران موثر بوده‌اند که مهمترین آن عبارتند از (تاج‌دینی، ۱۴۰۲):
- کمبود فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی در قیاس با سایر بخش‌های اقتصادی.
 - کاهش تولید محصولات کشاورزی و کاهش درآمد کشاورزان به دلیل تغییرات آب و هوایی و خشکسالی.
 - کمبود منابع آبی.
 - عدم سرمایه‌گذاری کافی در بخش کشاورزی.

- مهاجرت بخشی از کشاورزان روستایی به سمت شغل‌های صنعتی و خدماتی به دلیل عدم توجه کافی و مناسب به توسعه‌ی پایدار کشاورزی.
- کاهش نیاز به نیروی کار کشاورزی به دلیل توسعه‌ی تکنولوژی و مکانیزاسیون کشاورزی (خروج مازاد نیروی کار کشاورزی).

با وجود این‌که از دیدگاه نظری، عوامل یا دلایل مزبور، پذیرفتنی هستند، لیکن از منظر سیاست‌گذاری، پذیرش یا رد این عوامل / دلایل، بدون بررسی آماری و مستند آن‌ها در یک بازه‌ی زمانی مناسب (کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت) چندان کاربردی نخواهد بود.

بررسی روند اشتغال بخش کشاورزی در فصول زمستان سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۵ نشان می‌دهد که با وجود نوسانات این متغیر در سال‌های ۹۹-۱۳۹۵، رشد منفی بالای آن در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اتفاق افتاده است (جدول ۳).

جدول (۳). میزان و رشد اشتغال کشاورزی و سهم آن در کل اشتغال کشور در فصل زمستان سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۵ (نفر، درصد)

شرح	میزان اشتغال کشاورزی	رشد اشتغال کشاورزی	سهم اشتغال کشاورزی در کل اشتغال کشور
زمستان ۱۳۹۵	۳۵۹۷۱۲۶	۳.۴	۱۶.۱
زمستان ۱۳۹۶	۳۴۹۱۷۱۰	-۲.۹	۱۵.۲
زمستان ۱۳۹۷	۳۷۳۵۶۸۰	۷.۰	۱۶.۰
زمستان ۱۳۹۸	۳۶۵۵۳۴۱	-۲.۲	۱۵.۶
زمستان ۱۳۹۹	۳۶۵۳۸۲۷	-۰.۰۴	۱۵.۸
زمستان ۱۴۰۰	۳۳۶۵۴۵۲	-۷.۹	۱۴.۵
زمستان ۱۴۰۱	۳۰۵۸۲۷۵	-۹.۱	۱۳.۰

منابع: (۱). مرکز آمار ایران (سال‌های مختلف) (۲). محاسبات تحقیق

وقتی از نیروی کار کشاورزی و تغییرات آن بحث می‌شود، شامل نیروی کار خانوادگی (کشاورزان و خانواده‌های آن) و نیروی

^۱. تغییر متوسط تورم فصلی شاخص قیمت تولید کننده‌ی کشاورزی از ۸/۳ واحد در سال ۱۴۰۰ به ۲۲ واحد در نه ماهه‌ی اول ۱۴۰۱.

کار مزدبگیر (کارگران کشاورزان) است. تحلیل دقیق تحولات اشتغال کشاورزی، به تحلیل کامل و جزئی تغییرات شاغلان خانوادگی و مزدبگیران کشاورزی منوط خواهد بود. عدم تولید چنین آماری به تفکیک، مانع از این می شود که بدانیم کدام بخش از نیروی کار کشاورزی و به چه میزان، از بخش کشاورزی خارج شده اند. خروج کشاورزان خانوادگی از بخش کشاورزی، می تواند مبین تعطیلی برخی از واحدهای کشاورزی باشد؛ در حالی که کاهش نیروی کار مزدبگیر، هم می تواند علل گوناگون (نظیر افزایش تقاضای نیروی کار ساده سایر بخش های اقتصادی، کاهش تولید کشاورزی، جایگزینی سرمایه به جای کار و ...) داشته باشد و هم دارای پیام های متفاوتی (نظیر رونق نسبی سایر بخش های اقتصادی، عدم جذابیت کشاورزی برای کارگران، مهاجرت نیروی کار روستایی و ...) باشد.

از یک سو، کاهش بارندگی در ایران از سال ۱۳۹۹ شروع شده و در سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، تشدید و به بخش های گسترده ای از کشور سرایت پیدا کرده است و باعث کاهش آبدی کامل یا نسبی برخی از منابع آبی دائمی (چشمه ها، قنات ها و چاه ها) در نقاط مختلف گردیده است و از سوی دیگر، حدود ۷۰ درصد ارزش افزوده ی بخش کشاورزی مربوط به زیربخش های زراعی و باغی بوده و وابستگی بالای این دو زیربخش به آب (بارندگی و آب های زیرزمینی)، امری آشکار است. لذا خشکسالی را باید یکی از دلایل کاهش اشتغال سالانه و فصلی بخش کشاورزی ایران تلقی کرد. اما از آن جا که در فصل زمستان، نیاز آبی بخش کشاورزی، کمتر از سایر فصول است و در بسیاری از نقاط کشور، مرحله ی برداشت محصولات کشاورزی (اوج تقاضا برای نیروی کار مزدبگیر کشاورزی) مربوط به فصل زمستان نمی باشد، لذا باید منشا کاهش اشتغال کشاورزی در فصل زمستان ۱۴۰۱ را در واحدهای کشاورزی دائمی و غیر وابسته به شرایط فصلی (دامپروری، ماهیگیری و ...) جستجو کرد. فقدان آمارهای مربوط به واحدهای کشاورزی فعال / تعطیل در فصول زمستان در چند سال اخیر در کنار عدم تولید و انتشار آمار اشتغال کشاورزی به تفکیک زیربخش های کشاورزی، عملاً امکان بررسی چنین

فرضیه ای را نیز منفی ساخته است. مطالعات دیگران اثر عواملی نظیر کاهش یارانه های کشاورزی (کهنسال و پرمه، ۱۳۹۶)، کاهش آب کشاورزی (پرور و همکاران، ۱۴۰۱)، کاهش تولید و مخارج خوراکی خانوار (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲) و کاهش سرمایه گذاری و ارزش افزوده ی کشاورزی (امیرنژاد و همکاران، ۱۳۹۴) را در کاهش اشتغال کشاورزی تایید نموده اند؛ مقولاتی که در سال های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در بخش کشاورزی ایران، کم و بیش روی داده اند (حذف ارز ترجیحی از سال ۱۴۰۱، نرخ های رشد ارزش افزوده ی منفی کشاورزی (۱۰۰=۱۳۹۰) در سال ۱۴۰۰ و ۹ ماهه ی ۱۴۰۱ به ترتیب ۳/۶- و ۴/۳- درصد (مرکز آمار ایران)، کاهش مقدار سرمایه گذاری سالانه از ۱۰۷ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۹۳ به ۷۹ هزار میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰) (بانک مرکزی ج.ا.ا.)، افزایش سهم مخارج خوراکی و داخلی خانوار در کل مخارج سالانه از ۲۹ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۳۱ درصد در سال ۱۴۰۰ (مرکز آمار ایران).

لازم به ذکر است که تغییر اشتغال روستائیان از کشاورزی به صنعت و خدمات، مادامی که باعث کمبود نیروی کار در بخش کشاورزی در طول سال و اوج تقاضای این بخش در مقاطعی از سال و خروج نخبگان و دانش آموختگان کشاورزی از بخش کشاورزی نگردد، نه تنها به عنوان یک چالش قلمداد نمی گردد، بلکه خود عامل و فرصتی خواهد بود که از طریق خروج مازاد نیروی کار بخش کشاورزی و افزایش بهره وری نیروی کار در این بخش به عنوان یک پارامتر مثبت در فرآیند رشد و توسعه ی بخش کشاورزی و نقاط روستایی نقش پیدا می کند.

با توجه به شرایط کنونی، فرارو و توضیحات مزبور می توان نتیجه گیری کرد که یک تحول اساسی در میزان اشتغال بخش کشاورزی ایران، شروع شده و ضرورت دارد که مدیران کلان اقتصاد و بخش کشاورزی، ضمن آمادگی برای خروج اجباری یا اختیاری بخشی از نیروی کار کشاورزی در آینده ی نزدیک، به فوریت هم برای جذب بخش بیکار شده ی آن (ترجیحا در داخل مناطق روستایی) برنامه ریزی لازم را انجام بدهند و هم آثار

مخرب احتمالی خروج نیروی کار از بخش کشاورزی بر تولید این بخش را از طریق به کارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی، بهبود جذابیت‌های اقتصادی کار کشاورزی، افزایش سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری سایر عوامل تولید کشاورزی جبران نمایند.

پیشنهادهای سیاستی

(۱) به منظور حفظ اشتغال سالانه‌ی بخش کشاورزی در سطح ۴/۱ میلیون نفر (متوسط عملکرد نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰)، ضرورت دارد که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کلان اقتصاد و بخش کشاورزی، سریعاً آثار مخرب عوامل برونزا به‌ویژه خشکسالی را (از کانال افزایش سرمایه‌گذاری، تامین منابع آبی پایدار، افزایش بهره‌وری آب، حمایت مالی از کشاورزان آسیب‌دیده و ...) در بخش کشاورزی کشور، مدیریت نمایند. در غیر این صورت، علاوه بر کاهش اشتغال، شاهد تداوم کاهش تولید و عدم تحقق رشدهای اقتصادی هدف بخش کشاورزی در فصول و سال‌های آتی برنامه‌ی هفتم توسعه خواهیم بود.

(۲) رویکرد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور در زمینه‌ی اشتغال در کشاورزی، به جای تمرکز بر افزایش اشتغال مستقیم در این بخش بایستی بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پسین و پیشین آن (به عنوان بخشی از کسب و کار کشاورزی)، بهبود محیط کسب و کار و حمایت از کشاورزی هوشمند متمرکز باشد.

(۳) به جای تاکید صرف بر افزایش کمی اشتغال کشاورزی از سوی برنامه‌ریزان کلان اقتصاد، لازم است که ذیل برنامه‌ی تثبیت میزان اشتغال موجود بر ارتقای کیفیت نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی از طریق آموزش‌های مداوم و هدفمند

در کنار جایگزینی دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف کشاورزی به جای نیروی کار مسن و کم‌سواد/ بی‌سواد فعال در بخش کشاورزی تمرکز گردد.

منابع

- (۱) امیرنژاد، حمید، مردانشاهی، محمد مهدی، و اسدپور کردی، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی اثر ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری بر اشتغال بخش کشاورزی». کارآفرینی و کشاورزی؛ ۲(۳): ۲۷-۳۴.
- (۲) پرور، عباس، میرزایی خلیل آبادی، حمیدرضا، مهرابی بشرآبادی، حسین. و زارع مهرجردی، محمدرضا. (۱۴۰۱). «تاثیر کاهش آب بر اشتغال بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی بر اساس جدول ماتریس حسابداری-اجتماعی». اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۶(۲): ۱۲۹-۱۴۱.
- (۳) تاجدینی، شیلان. (۱۴۰۲). «هر دو دقیقه یک روستایی، کشاورزی را رها می‌کند». کد خبر: ۳۳۳۱۳، قابل دسترسی در: <https://ecoiran.com>
- (۴) کرباسی، علیرضا، اثنی‌عشری، هاجر، و عاقل، حسن. (۱۳۸۷). «پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران». مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، ۲۲(۲): ۳۱-۴۳.
- (۵) کهنسال، محمدرضا، و پرمه، زورار. (۱۳۹۶). «برآورد تأثیر کاهش یارانه‌های بخش کشاورزی بر تولید و اشتغال آن». پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار): ۱۷(۱): ۴۴-۲۳.
- (۶) محمدی، هادی، فلیحی، نعمت، و باقرآبادی، صمد. (۱۳۹۲). «تحلیل عوامل مؤثر بر اشتغال بخش کشاورزی (مطالعه موردی استان ایلام، کردستان، کرمانشاه و همدان)». فصلنامه اقتصاد مالی، ۷(۲۲): ۱۱۵-۱۳۵.
- (۷) مرکز آمار ایران (۱۴۰۲). «چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار- زمستان ۱۴۰۱». قابل دسترسی در: www.amar.org.ir
- (۸) مرکز آمار ایران (الف-۱۴۰۱). «چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار- بهار ۱۴۰۱». قابل دسترسی در: www.amar.org.ir
- (۹) مرکز آمار ایران (ب-۱۴۰۱). «چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار- تابستان ۱۴۰۱». قابل دسترسی در: www.amar.org.ir
- (۱۰) مرکز آمار ایران (ج-۱۴۰۱). «چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار- پاییز ۱۴۰۱». قابل دسترسی در: www.amar.org.ir
- (۱۱) مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور- ۱۳۹۳». چاپ اول، قابل دسترسی در: www.amar.org.ir
- (۱۲) مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). «نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور- ۱۳۹۳». چاپ اول، قابل دسترسی در: www.amar.org.ir
- (۱۳) مرکز آمار ایران (سال‌های مختلف). «چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار- زمستان». قابل دسترسی در: www.amar.org.ir

عنوان خبر: وضعیت واردات برنج در سال ۱۴۰۱

تهیه و تحلیل: علی اکبر باغستانی

ویراستار: امید گیلانپور، کنایون شمشادی

کد: PN-4-14020306-(76)

خلاصه متن خبر

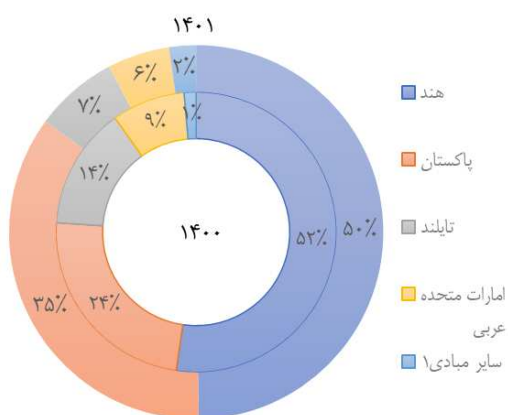
برنج یکی از غلات مهم در مصرف انسان است. این محصول پس از گندم از پرمصرفترین محصولات زراعی کشور محسوب می‌شود و یکی از تولیدات استراتژیک بخش کشاورزی نیز بشمار می‌رود. براساس اطلاعات مرکز آمار و اطلاعات سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد^۱، برنج، پس از نیشکر و ذرت، سومین محصول کشاورزی از نظر میزان تولید در جهان است. همچنین حدود ۹۵ درصد از تولید برنج جهان در چین، هند و جنوب شرق آسیا می‌باشد. برنج یکی از اقلام غذایی پر مصرف در سبد غذایی خانوارها بوده و براساس الگوی مصرف مطلوب توصیه شده وزارت بهداشت، هر نفر باید در ماه تقریباً ۲.۷ کیلوگرم از این ماده غذایی را مصرف نماید. براساس اطلاعات گمرک ج.ا در حالی که در سال ۱۴۰۰، ۸۵۰ هزار تن برنج به ارزش ۷۳۱ میلیون دلار به کشور وارد شده بود، در سال ۱۴۰۱، ۱.۷۸ میلیون تن برنج به ارزش ۲.۱۳ میلیارد دلار به کشور وارد شده است. میزان برنج وارداتی دو برابر و ارزش واردات آن سه برابر شده است. این میزان واردات، کسری تجاری بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۱ را تشدید نموده است.

تحلیل موضوع

انتشار آمار دوازده ماهه تجارت سال ۱۴۰۱ توسط گمرک ج.ا. نشان می‌دهد که میزان واردات برنج در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰، ۱۰۹.۲ درصد و ارزش واردات در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته ۱۹۲.۴ درصد رشد داشته است. متوسط نرخ ارز در سامانه نیما در سال ۱۴۰۰، برابر ۲۳۰۵۷۸ ریال به ازای هر دلار بوده است. با در نظر گرفتن این نرخ ارز، متوسط قیمت هر کیلوگرم برنج وارداتی در سال ۱۴۰۰، به ۱۹۸۲۱ تومان به ازای هر کیلوگرم می‌رسد. با در نظر گرفتن متوسط نرخ ارز نیمایی ۳۳۱۹۸۳ ریال در سال ۱۴۰۱، نیز، قیمت هر کیلوگرم برنج وارداتی، برابر ۳۹۸۸۱ تومان به ازای هر کیلوگرم خواهد بود.

بررسی ارزش واحد دلاری برنج وارداتی نشان می‌دهد که متوسط قیمت هر کیلوگرم برنج وارداتی از ۸۶ سنت در سال ۱۴۰۰ به ۱.۲ دلار در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است. همچنین بررسی قیمت دلاری هر واحد برنج وارداتی به تفکیک مبادی وارداتی نشان می‌دهد بیشترین افزایش قیمت واحد برنج وارداتی، با ۴۹.۶ درصد مربوط به برنج هندی بوده است. قیمت برنج‌های وارداتی از مبداء پاکستان، ۲۴.۲ درصد و برنج تایلندی تنها ۶.۲ درصد افزایش قیمت داشته است. همانطور که در نمودار زیر آمده است، در حالی که سهم واردات برنج از مبداء کشور هند در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰، تغییر چندانی نداشته است، اما سهم کشور تایلند از ۱۴ درصد به ۷ درصد کاهش و سهم کشور پاکستان نیز از ۲۴ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۳۵ درصد در سال ۱۴۰۱ افزایش داشته است.

سهولت تجارت با کشور هند، اطمینان از وجود تقاضا برای برنج هندی، شناخته شدن بازار هند برای تجار ایرانی و وجود امکان استفاده از درآمدهای صادرات نفت به کشور هند در سال‌های گذشته، سبب شده است که علیرغم افزایش قیمت هر واحد برنج وارداتی از مبداء هند، سهم این کشور از واردات تغییر چندانی نداشته باشد.



۱: سایر مبادی شامل مناطق آزاد، مناطق ویژه و ترکیه است

نمودار ۱. سهم مبادی وارداتی از واردات برنج در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

ماخذ: یافته‌های مطالعه براساس اطلاعات گمرک ج.ا

نمودار زیر روند میزان واردات ماهانه برنج در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ را نشان می‌دهد. در حالی که تا پایان دی‌ماه ۱۴۰۱، میزان واردات برنج بیشتر از ماه مشابه سال گذشته بوده است، اما در ماه‌های بهمن و اسفند ۱۴۰۱، نسبت به ماه مشابه سال قبل میزان واردات برنج کمتری انجام شده است.

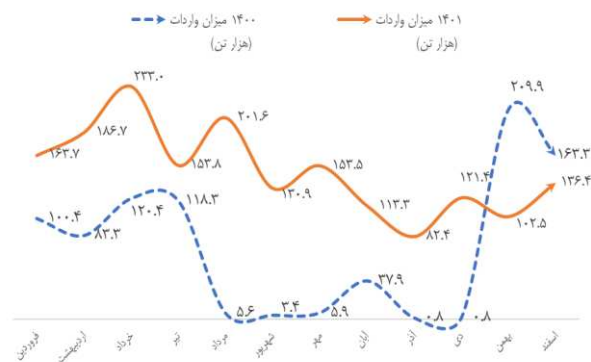
¹ FAOSTAT

- کاهش قدرت خرید خانوار در پی رشد سطح عمومی قیمت‌ها، پایین‌تر بودن قیمت برنج وارداتی برای مصرف‌کننده در مقایسه با برنج تولید داخل و افزایش فشار تقاضا برای برنج خارجی
- نگرانی ناشی از رشد قیمت جهانی و فشار برای تکمیل ذخایر راهبردی
- وجود برنج راکد در بازار و عدم کاهش قیمت برنج داخلی عرضه شده به دلیل انتظارات قیمتی شالیکاران و کارخانجات شالیکوبی ناشی از نگرانی تولیدکنندگان نسبت به تکرار تجربه سال‌های گذشته، (افزایش قیمت پس از فروش محصول به واسطه‌گران و کسب سود اضافی توسط واسطه‌گران)
- بالابودن هزینه‌های تولید برنج داخلی
- افزایش تولید ارقام کیفی برنج به دلیل امکان فروش با قیمت‌های بالاتر نسبت به ارقام پرمحصول

پیشنهادهای سیاستی

در شرایطی که بسیاری از گزارش‌ها حاکی از افزایش تولید ۲۵ درصدی برنج تولید داخل در سال زراعی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بوده است، اما وجود رکود نسبی در بازار برنج داخلی و نبود تقاضای موثر برای این برنج در کنار رشد واردات برنج، نشان می‌دهد که علیرغم وجود قانون تمرکز، بخش تولید و تجارت برای محصول برنج نتوانسته است هماهنگ حرکت نماید. بهای این ناهماهنگی، وجود برنج برجای مانده و زیان تولیدکننده از یک سو و افزایش فشار بر منابع ارزی دولت برای واردات است. ضعف در سازوکارهای تنظیم بازار ناشی از نداشتن ساختار و کفایت تفکر کارشناسی سبب می‌شود که برخی تلاش‌ها مانند استفاده از ظرفیت کشت قراردادی نیز موثر واقع نشود. ضعف در تعیین مکانیسم کشف قیمت در کشت قراردادی برنج، نارسایی در تعیین ضمانت اجرای تعهدات طرفین به ویژه شالیکاران در کشت قراردادی برنج، ضعف در مشارکت تشکلهای فراگیر، فروشگاه‌ها و کارخانجات بسته‌بندی برنج در اجرای کشت قراردادی از نکاتی است که سبب شده است تا این ابزار سیاستی نتواند به برنامه‌ریزی و مدیریت بازار کمک نماید.

باید پذیرفت که همانند تغییر روند تاریخی تولید برنج در برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی، تولیدکنندگان برنج در ایران نیز، به عنوان دارندگان شغل دوم، مشغول فعالیت شده‌اند. این تغییر، سبب می‌شود تا از عرضه انبوه برنج در فصل برداشت، به هر قیمتی خودداری نمایند. آن‌ها می‌توانند به کمک درآمد حاصل از شغل اول،



نمودار ۲. میزان واردات ماهانه برنج در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

واحد: هزارتن
ماخذ: یافته‌های مطالعه براساس اطلاعات گمرک ج.ا

براساس اطلاعات جدول زیر در سال ۱۴۰۰ در ماه‌های مرداد تا پایان دی، تنها ۵۴.۴ هزار تن برنج به ارزش ۴۳ میلیون دلار به کشور وارد شده بود، در همین دوره در سال ۱۴۰۱، ۸۰۳ هزار تن برنج به ارزش ۸۸۷.۷ میلیون دلار به کشور وارد شده است. در عمل افزایش نگرانی‌ها در خصوص تنظیم بازار، نگرانی در خصوص بروز کمبود برنج در بازار جهانی به دلیل رشد تقاضای کشورهای، خودداری از عرضه برنج تولید داخل، قرار داشتن فصل برداشت برنج در این بازه زمانی و لغو ممنوعیت واردات برنج در فصل برداشت، عامل جهش این میزان واردات بوده است. بخشی از این افزایش واردات در پی کاهش قدرت خرید خانوار برای برنج‌های داخلی نیز بوده است.

جدول ۱. میزان و ارزش واردات ماهانه برنج در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

ماه	۱۴۰۰		۱۴۰۱	
	میزان واردات (هزار تن)	ارزش واردات (میلیون دلار)	میزان واردات (هزار تن)	ارزش واردات (میلیون دلار)
فروردین	۱۰۰.۴	۹۰.۲	۱۶۳.۷	۲۷۰.۹
اردیبهشت	۸۳.۳	۷۴.۹	۱۸۶.۷	۲۶۳.۷
خرداد	۱۲۰.۴	۱۰۴.۱	۲۳۳.۰	۲۷۷.۳
تیر	۱۱۸.۳	۹۴.۹	۱۵۳.۸	۱۶۷.۲
مرداد	۵.۶	۵.۳	۲۰۱.۶	۲۲۷.۳
شهریور	۳.۴	۳.۹	۱۳۰.۹	۱۳۶.۱
مهر	۵.۹	۵.۸	۱۵۳.۵	۱۷۰.۴
آبان	۳۷.۹	۳۶.۶	۱۱۳.۳	۱۳۰.۵
آذر	۰.۸	۰.۷	۸۲.۴	۸۷.۷
دی	۰.۸	۰.۷	۱۲۱.۴	۱۳۵.۸
بهمن	۲۰۹.۹	۱۶۸.۰	۱۰۲.۵	۱۱۳.۵
اسفند	۱۶۳.۳	۱۵۶.۳	۱۳۶.۴	۱۵۶.۲
کل سال	۸۵۰.۴	۷۳۱.۰	۱۷۷۹.۱	۲۱۳۷.۲

ماخذ: یافته‌های مطالعه براساس اطلاعات گمرک ج.ا

برخی از دلایل افزایش میزان واردات برنج در سال ۱۴۰۱ عبارتند از:

- افزایش نگرانی‌ها در خصوص افزایش قیمت برنج در بازار (کنترل قیمت و تنظیم بازار)

- الزام تشکلهای تولیدی و کارخانجات شالیکوبی به اجرای طرح رهگیری مبدا تولید و ثبت میزان تولید از مبدا
- رصد وضعیت اجرای الگوی کشت و برآورد میزان تولید برنج
- اجرای سیستم خرید و توزیع برنج ارزان قیمت داخلی برای اقشار تحت پوشش نهادهای حمایتی براساس مصرف هر نفر ۲۰۷ کیلوگرم در ماه، با هدف اطمینان از وجود تقاضا، جلوگیری از سوء تغذیه و حذف تاثیرپذیری این قشر از شوکهای احتمالی قیمتی
- اعمال تخفیف تعرفه‌ای برای واردکنندگانی که نسبت به خرید و توزیع برنج داخلی اقدام می‌نمایند. میزان تخفیف متناسب با نسبت خرید برنج داخلی به برنج وارداتی تعیین می‌شود.

بخشی از هزینه‌های تولید را پوشش دهند. در چنین شرایطی توانایی دارند تا در برابر قیمتی که تقاضا کننده تمایل دارد پرداخت نمایند، مقاومت نموده تا به قیمت مورد انتظار عرضه کننده نزدیک شود. در چنین شرایطی تنها راه برای خروج بازار برنج داخلی از رکود، کاهش هزینه‌ی تمام شده قیمت است.
در حالی که برنج انباشته شده‌ی تولید داخل دچار افت کیفی می‌شود، فشار برای دریافت مجوز صادرات افزایش می‌یابد. در برخی موارد حتی واردکننده درخواست دارد تا مجوز واردات دریافت نماید. تجربه نشان داده است که حتی در صورت اعطای مجوز صادرات، وضعیت بازارپسندی و ضعف در سیستم رهگیری محموله‌های صادراتی سبب می‌شود تا کشورها به دلایل مقررات بهداشتی حجم تجارت را محدود نمایند. همچنین پایین تر بودن قیمت جهانی برنج تایلندی، ویتنامی، پاکستانی و هندی سبب می‌شود تا دسترسی تجار ایرانی به بازارهای خارجی محدود باشد. از این رو روند گذشته نشان داده است که امکان جذب صادراتی برنج، تنها منوط به قراردادهای مشخص با تقاضا کنندگان خارجی است که در عمل روی نخواهد داد. از این رو افزایش تمایل شالیکاران به ارقام کیفی در حالیست که به دلیل بالا بودن قیمت برای مصرف کننده، حجم تقاضا برای آن‌ها کاهش و در عمل مازاد انباشت برنج برای تولیدکنندگان اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی دولت با هدف جلوگیری از افت سرانه مصرف برنج و مخاطرات تغذیه‌ای و همچنین جلوگیری از افزایش قیمت برنج، نسبت به اعطای مجوز واردات برنج اقدام می‌نماید. اگرچه مصرف کنندگان برنج داخلی و برنج خارجی متفاوت از یکدیگر بوده و تقریباً این دو کالا جانشین یکدیگر نیستند. اما امکان جایگزینی برنج‌های هندی و پاکستانی با ارقام پر محصول داخلی وجود دارد. در چنین شرایطی واردات بیشتر منجر به کاهش قیمت برنج داخلی نخواهد شد. بلکه باید سهمیه‌بندی مشخصی روی برنج‌های وارداتی با بیشترین تشابه کیفی به برنج پرمحصول داخلی شامل هندی و پاکستانی اعمال نمود، تا آسیبی به تولید داخل وارد نشود.

با توجه به تشکیل تشکلهای فراگیر برنج، اجرای الگوی کشت و وجود شیوه‌نامه‌های کشت قراردادی برنج پیشنهاد می‌شود، دولت اقدامات زیر را در دستور کار قرار دهد:

- اعمال تعرفه سهمیه‌ای برای واردات برنج به جای ممنوعیت واردات در فصل برداشت در سال‌های آتی



تهران - بلوار کریم خان زند - انتهای خیابان شهید عضدی (آبان) جنوبی - خیابان رودسر - پلاک ۵
تلفن: ۴۲۹۱۶۰۰۰ نمابر: ۸۸۹۶۶۶۰ صندوق پستی: ۱۵۱۵ - ۱۵۸۱۵ کد پستی: ۳۷۳۱۳ - ۱۵۹۸۶

E-mail: aperi@agri-peri.ac.ir
ECE: ece.aperi@agri-peri.ac.ir
www.agri-peri.ac.ir